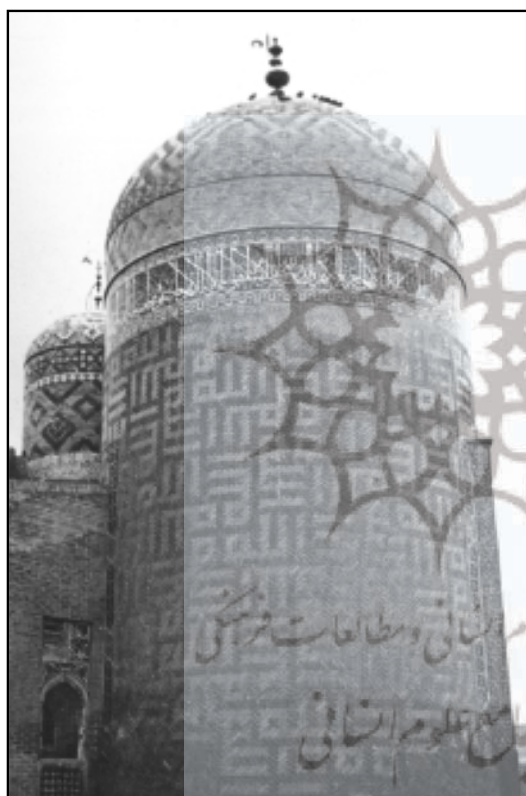




# التصوف الاسلامی فی نیجریا



○ گردآورنده کتاب:

محمد حبیب... آدم

عبد... الالوری -

مدیر مرکز التعليم العربی الاسلامی

لاگوس - نیجریه

○ چاپ اول: مه ۱۹۹۹

مطابق با محرم ۱۴۲۰

آقای محمد حبیب... آدم عبد... الالوری در کتاب خود سعی نموده است تا ضمن بحث موضوعی پیرامون صوفیگری در نیجریه به افشاء تلاشهای عده‌ای از مشایخ دروغین صوفی‌ها برای بدجلوه دادن مظاهر این طریقه بپردازد.

نویسنده تلاش کرده است تا تفاوت فیما بین تصوف حقیقی اسلامی با ادعاهای بعضی از صوفی مسلکان متشیخ را بیان نماید و آنگاه به کشف حقایق پیرامون انحرافات و بدعت‌های این گروه از صوفی‌نماها که از این مسیر ارتزاق می‌کنند پرداخته و اینچنین بیان می‌دارد که تصوف اسلامی کلید حل تمامی مشکلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی معرفتی است. و تصوف تنها راه هدایت فرد و جامعه بسوی خیر دنیا و آخرت می‌باشد و جنبش تصوف جنبشی دائمی و در نوع خود قویترین انگیزه برای پیشرفت و تحول بوده و موجبات رهایی بشر از تاریکیهای عقب‌ماندگی بسوی انوار الهی را فراهم می‌نماید.

در کتاب فوق‌الذکر موضوعاتی چون معنای لغوی تصوف، تصوف و رابطه آن با فطرت بشر، دخیل بودن و یا نبودن تصوف در اسلام، اصول تصوف، تصوف در ادیان گذشته، تشبیه، حلول، پارسایی، ریشه تصوف در قوانین اسلامی، رابطه تصوف و اخلاق، آداب مرید و مراد، ولایت و ولی، موسیقی و احکام آن نزد اهل تصوف و... در ۱۳۵ صفحه بطور مشروح و مفصل به بحث گذاشته شده است که بطور اختصار مروری بر برخی موضوعات فوق‌الذکر خواهد شد.

وی معتقد است که قاعده تصوف بر اصول توحید صحیح و به تنزیه حق تعالی از شرک و... تکیه زده است. و با توجه به فطری بودن آن می‌توان دلیل تسری آن را در ادیان الهی و حتی غیرالهی یافت. البته تصوف مسیحی نوعی «میستیزیم»<sup>۱</sup> یا پنهان‌کاری

است که با روشهای تصوف اسلامی تفاوت عمده دارد. از جمله نکات حائز اهمیت در خصوص ساختار تصوف اسلامی تاثیرپذیری آن از عقاید هندو می‌باشد که بر این اساس «تفاسخ ارواح» و «ریاضت نفس» و «کم‌خوری» در حوزه تصوف اسلامی در برخی فرق قرار گرفته است. دو مکتب و مدرسه دیگر نیز بر تصوف اسلامی تاثیر گذاشته است که عبارتند از:

- ۱ - مکتب اسکندریه که موجب نشر فلسفه یونانی در شرق شده و از طریق ترجمه کتب یونانی به زبان عربی منش و روش افلاطونی راه خود را در تصوف اسلامی بسوی حب الهی پیمود.
- ۲ - مکتب دیگر فرهنگ پارسی و ادبیات آریایی بود. از همین نقطه شاهد تجلی مظاهر مبارزه با نفس و روی آوردن جدی بسوی اندیشیدن از نوع تفکر الهی تا مرحله فنا در ذات الهی هستیم.

اولین کسی که آغازگر اندیشه فناء در ذات الهی بود «ابویزید بسطامی» است که شیوه‌های جدید را در تصوف اسلامی ارائه کرد. در مورد تشبیه و تجسّد، اسلام منکر مذهب حلول بوده چنانکه اعتقاد به وحدت وجود را نیز انکار می‌کند. و به عبارتی دیگر اسلام به حلول خداوند در جسم انسان معتقد نیست و فناء ذات انسانی در ذات الهی را بشدت نفی می‌کند.

تصوف اسلامی در قرن دوم هجری در عصر ظهور مکاتب فقهی و فکری شناخته شد و شخصیت‌هایی چون ابوذر غفاری، حسن بصری، ذوالنون مصری و ابراهیم بن ادلمر را در دامن خود تربیت نمود.

#### ارکان تصوف

ارکان تصوف به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف: وحدت وجود که پرچمداران آن «محمی‌الدین بن العربی»، «سهروردی» و «ابن فارض» هستند.

ب: فناء فی‌الله و آن بمعنای اخراج هرگونه محسوسات از قلب و وارد کردن ذکر الهی در آن می‌باشد، پرچمدار آن «ابویزید بسطامی» و... می‌باشند.

ج: حبّ فی‌الله و آن بمعنای عنایت الهی است که با تعلم و آموزش بدست نمی‌آید. و پرچمدار آن «رابعه العدویة» می‌باشد. در جنوب غربی نیجریه پیروی و ارادت نسبت به مشایخ (متشیخه) به گونه‌ای است که عده‌ای کورکورانه خود و نوامیس خود را در اختیار صوفی‌نمایان قرار می‌دهند و لباس پاک تصوف را به لباس فساد و کفر بدل و آلوده کرده‌اند.

#### اصناف اهل تصوف نیز بر سه دسته‌اند:

الف: زنادقه: کسانی که محارم الهی را حلال کردند.  
ب: فاسقان: کسانی که برای گسترش باطل و اشاعه فحشاء و گمراه کردن مردم دام گسترانیده‌اند.  
ج: صوفیان حقیقی: کسانی که همواره در صدد محاسبه نفس و غور در سخت‌ترین بلاها در مسیر الهی هستند. «حق تکلیف و قربانی شدن» سه رکن سلوک انسانی است که در تصوف اسلامی نیز راه یافته است.

با نگاهی اجمالی به انواع چهارگانه تصوف یعنی تصوف فکری، تصوف تقلیدی، تصوف عیسوی، تصوف محمدی (ص) در می‌یابیم که سخن استاد عباس محمود العقاد مبنی بر آنکه تصوف مانع پیشرفت علمی و فرهنگی است صرفاً مربوط به سه گروه اول از تصوف بوده و تصوف محمدی (ص) موجب بیداری امت اسلامی و مبارزه با مصرف‌گرایی و قدم نهادن در عرصه تولید و پیشرفتهای صنعتی است. و بطور کلی اسلام تنبلی و تن‌پروری را رد می‌کند. شأن مشایخ طرق صوفیه ایجاب می‌کند که در زمان فعلی به هدایت جامعه و رهبری آن براساس کتاب و سنت بپردازند. چنانکه پیشینیان نیز به رسالتی که داشتند عمل کردند و جامعه را به سوی اسلامی شدن پیش بردند.

از جمله گرفتاریهای امروز بشری در جوامعی که اشتها به تصوف دارند مقوله مرید و مراد می‌باشد که مناسفانه از مسیر اصلی خود، همان ترک عادات نفسانی و شهوانی است، فاصله گرفته و تا آنجا پیش رفته است که در نیجریه بعضاً شیخ طریق صوفیه را می‌پرستند. بطوریکه در یکی از مجالس، مریدی گفت این شیخ خدای من است! و در جواب او نه تنها اعتراضی از سوی آن شیخ نما صورت نگرفت بلکه مورد تحسین نیز واقع شد.

از دیگر پدیده‌هایی که در مسیر تصوف بدعت نهاده شده است ایجاد و تاسیس «زوايا» و یا همان خانقاهها و عبادتگاهها می‌باشند و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود و البته ما با آن مخالفی نداریم ولی باید بگوئیم که اکثریت آنها به محل اجتماع فاسدان تبدیل شده است و تحول زوايا از مرحله کلیسا به عبادتگاه صوفیان اگر چه در آغاز امری مستحسن می‌نمود ولی امروزه زوايا نقش اصلی خود را ایفاء نمی‌کند.

در پایان به تقسیم‌بندی ادبیات تصوف اشاره شده و آن اینکه تصوف و صوفیه در تحول ادبیات عربی و توسعه فرهنگ عربی و اسلامی نقش بارزی داشته است و بطور کلی ادبیات تصوف به سه دوره تقسیم می‌شود:

۱ - دوره اول: با ظهور اسلام آغاز و تا اواسط قرن دوم هجری پایان می‌پذیرد و در این مرحله، ادبیات تصوف مشحون از مواعظ دینی و اخلاقی بوده است.

۲ - دوره دوم: از اواسط قرن دوم هجری شروع و تا پایان قرن چهارم ادامه می‌یابد. که در این مرحله اصطلاحات «صوفیانه» رایج گردید و گروههای مختلف عرب و غیرعرب تحولی را در نثر تصوف ایجاد کردند.

۳ - دوره سوم: از پایان قرن چهارم آغاز و تا پایان قرن هفتم ادامه می‌یابد و در این مرحله تصوف به اوج فلسفه الهی خود می‌رسد.

اختلاط و امتزاج هنر و موسیقی و ذکر و اوراد در طرق مختلف صوفیه امری متفاوت است و امروزه بدون تجاوز از حدود شرعی با بعضی از آلت‌های موسیقی، ذکر الهی نیز بر زبانها جاری است و طریقه قادریه که نویسنده نیز در همان طریق است معتقد به حلیت استفاده از موسیقی می‌باشد.

#### پی‌نوشت‌ها:

#### ۱- Mysticism

۲ - از زمان شازلی که پیشوای تصوف قلبی بود شروع شد. وی به عدم حرمت نفس از روی آوردن به حلال اعتقاد داشت.

۳ - عقیده‌ای بین تصوف فکری و تصوف عیسوی می‌باشد.

۴ - تصوف کم‌خوری تا آن مرحله که هر چهل روز یک بار غذایی صرف شود. سهیل‌ابن عبدالله و غزالی به این مرحله رسیدند.